

بیست ہزار فرسنگ زیر دریاها

ژول ورن

ترجمہ محمد نجابتی



نشر آفرینگان: ۲۵۶

فهرست



بخش اول

۱. صخره گریزپا..... ۹
۲. موافق و مخالف..... ۱۹
۳. هر طور آقا امر کنند..... ۲۹
۴. ند لند..... ۳۹
۵. پرسه بیخودا!..... ۴۹
۶. با تمام قدرت..... ۵۹
۷. نهنگی از گونه‌ای ناشناخته..... ۷۱
۸. MOBILIS IN MOBILE..... ۸۳
۹. خشم ند لند..... ۹۷
۱۰. مردی از آن آب‌ها..... ۱۰۵
۱۱. ناتیلوس..... ۱۱۷
۱۲. همه چیز با الکتریسته..... ۱۲۹
۱۳. چند عدد و رقم..... ۱۳۹
۱۴. جریان سیاه‌رنگ..... ۱۴۹
۱۵. دعوت رسمی..... ۱۶۷

۱۶. گردش در دشت.....	۱۷۹
۱۷. جنگل زیر دریا.....	۱۸۹
۱۸. چهار هزار فرسنگ زیر اقیانوس آرام.....	۲۰۱
۱۹. وانیکورو.....	۲۱۳
۲۰. تنگه تورس.....	۲۲۹
۲۱. چند روز روی خشکی.....	۲۴۱
۲۲. بارقه کاپیتان نمو.....	۲۵۹
۲۳. EGRI SOMNIA.....	۲۷۵
۲۴. قلمرو مرجان.....	۲۸۷

بخش دوم

۱. اقیانوس هند.....	۲۹۹
۲. پیشنهاد جدید کاپیتان نمو.....	۳۱۵
۳. مروارید ده میلیونی.....	۳۲۷
۴. دریای سرخ.....	۳۴۵
۵. تونل عربی.....	۳۶۳
۶. مجمع الجزایر یونان.....	۳۷۷
۷. عبور از مدیترانه در چهل و هشت ساعت.....	۳۹۱
۸. خور ویگو.....	۴۰۷
۹. سرزمین گمشده.....	۴۲۳
۱۰. معادن زغال سنگ در قعر دریا.....	۴۳۹
۱۱. دریای سارگاسو.....	۴۵۵
۱۲. عنبر ماهی ها و نهنگ ها.....	۴۶۹
۱۳. دریایخ.....	۴۸۷
۱۴. قطب جنوب.....	۵۰۵
۱۵. تصادف یا برخورد جزئی؟.....	۵۲۵
۱۶. کمبود هوا.....	۵۳۳
۱۷. از دماغه هورن تا آمازون.....	۵۴۹

۱۸. اختاپوس ها.....	۵۶۵
۱۹. گلف استریم.....	۵۸۳
۲۰. در ۲۴' ۴۷° عرضی و ۲۸' ۱۷° طولی.....	۵۹۹
۲۱. کشتار.....	۶۱۱
۲۲. آخرین سخنان کاپیتان نمو.....	۶۲۵
۲۳. فرجام.....	۶۳۵
پسگفتار.....	۶۳۹

بیداست هزار فرسنگ زیر دریاها

۵

صخره گریزپا

سال ۱۸۶۶ اتفاقی عجیب افتاد؛ در این سال پدیده‌ای ناشناخته و ناشناختنی ظهور کرد که بی‌شک هنوز از ذهن کسی پاک نشده. این حادثه در میان بندر نشینان غوغا به راه انداخت، مردم سرتاسر جهان را به تب و تاب افکند و بیش از همه دریانوردان را در تشویش و نگرانی غرق کرد و به مهم‌ترین دغدغه بازرگانان، کشتی‌داران، ملوانان و ناخداهای اروپایی و آمریکایی، به علاوه افسران نیروی دریایی تمام کشورها و در نهایت سیاستمداران هر دو قاره تبدیل شد.

مدتی بود که بسیاری از کشتی‌ها حین حرکت در دریا با «موجودی غول‌آسا» روبه‌رو می‌شدند که عریض و طویل و دوکی‌شکل و طبق برخی شواهد شبرنگ بود و از نهنگ بی‌نهایت پهن‌تر و سریع‌تر بود. دفاتر کشتی‌ها که ویژگی‌های این پدیده را ثبت کرده بودند همگی بر ساختار عجیب بدنی، سرعت جابه‌جایی حیرت‌انگیز، قدرت مانور بهت‌آور و جاندار بودنش گواهی می‌دادند. اگر این موجود پستانداری دریایی بود، در بزرگی از تمام گونه‌هایی که علم تا آن زمان شناسایی کرده بود فراتر می‌رفت. کوویه، لاسپد،^۱ آقای دومریل و آقای دوکترفاز^۲ اعلام کردند که

۱. Lacépède: جانورشناس فرانسوی (۱۷۵۶-۱۸۲۵). م.

۲. Cuvier, Lacépède, M. Dumeril, M. de Quatrefages: هر چهار نفر از طبیعی‌دانان و



تا با چشمان خودشان این هیولا را نبینند و با مقیاس های علمی بررسی اش نکنند محال است وجودش را بپذیرند.

برخی شواهد نیز محتاطانه طولی دویست پایی^۱ به این موجود نسبت داده بودند و برخی دیگر به طور اغراق آمیزی عرضش را یک مایل^۲ و طولش را سه مایل تخمین می زدند؛ با کنار گذاشتن این افراط و تفریطها و در نظر گرفتن حد وسطشان می شد قاطعانه گفت که این پدیده ناشناخته — در صورت وجود — جثه اش بزرگتر از تمام موجوداتی است که آبرزی شناسان تا آن روز شناخته اند.

به عبارت دیگر، در این که چنین پدیده ای وجود خارجی داشت جای تردید نبود، اما، با در نظر گرفتن تمایل ذهن انسان به خیالپردازی تعجب نداشت که این پدیده ماوراء الطبیعه در سرتاسر دنیا غوغا به پا کرده باشد و در عین حال نمی شد آن را تنها افسانه ای ساخته ذهن بشر در نظر گرفت. در بیستم ژوئیه^۳ ۱۸۶۶، کشتی بخار گاورنر هیگینسن^۴ از شرکت کشتیرانی کلکته آند بارناک^۵ این جسم متحرک را در پنج مایلی شرق سواحل استرالیا مشاهده کرد. ناخدا بیکر ابتدا خیال کرد که با صخره ای شناور روبه روست و مشغول تعیین مختصات حرکتش شد، اما ناگهان از سطح آن موجود ناشناخته دو ستون آب فوران کرد که صغیرکشان صد و پنجاه پا بالا رفتند. گاورنر هیگینسن یا با یکی از آشفشان هایی روبه رو بود که گهگاه در دریا فوران می کنند یا با پستانداری آیزی که تا آن روز کسی به وجودش پی نبرده بود و از حفره های تنفسی اش ستون هایی از آب را همراه با هوا و بخار بیرون می داد.

بیست و سوم ژوئیه همان سال در اقیانوس آرام کریستوبال کُلن^۶ از شرکت کشتیرانی وست ایندیا اند پاسیفیک^۷ عیناً با چنین پدیده ای مواجه

جانورشناسان فرانسوی همعصر نویسنده بودند. سرتاسر داستان، ژول ورن معاصرانش را با پیشوند آقا خطاب می کند. — م.

۱. هر پا برابر است با ۳۰/۴۸ سانتیمتر. — م.

۲. هر مایل برابر است با ۱/۶۰۹۷ کیلومتر. — م.

3. Governor Higginson

4. Calcutta and Burnach

5. Cristobal Colon

6. West India and Pacific

شد. آن پستاندار دریایی خارق العاده سرعتی حیرت انگیز داشت چون گاورنر هیگینسن و کریستوبال کلن با اختلاف سه روز آن را در دو نقطه متفاوت دیده بودند که بیش از هفتصد فرسنگ دریایی^۱ با یکدیگر فاصله داشتند.

پانزده روز بعد و دوهزار فرسنگ آن طرف تر، در بخشی از اقیانوس اطلس که بین ایالات متحده و اروپا قرار دارد، هلوسیا^۲ از کشتیرانی ناسیونال^۳ و شانون^۴ از شرکت رویال میل^۵ که در جهت مخالف هم در حرکت بودند آن هیولا را در ۴۲°۱۵' عرض شمالی و ۶۰°۳۵' طول غربی نصف النهار گرینویچ مشاهده کردند. در این مشاهده همزمان، دریانوردان طول جانور را حداقل سیصد و پنجاه پای انگلیسی^۶ تخمین زدند که از طول هر دو کشتی بیشتر بود، طول هلوسیا و شانون، از سینه تا پاشنه، کمتر از صد متر بود، در حالی که طول غول پیکرترین نهنگ های شناخته شده که در حوالی جزایر یوشن،^۷ کالاماک^۸ و آمگالیک^۹ زندگی می کنند حتی به پنجاه و شش متر هم نمی رسد.

درباره این پدیده مرتب خبر جدیدی منتشر می شد، هیولا از کنار اقیانوس پیمای پِرز^{۱۰} عبور کرده بود، به اتنا^{۱۱} که در خطوط دریایی ایزمن^{۱۲} کار می کرد ضربه زده بود، افسران ناوشکن فرانسوی ژماندی^{۱۳} فهرستی از ویژگی هایش تهیه کردند و افسران تحت فرماندهی دریادار فیتس جیمز^{۱۴} در کشتی لُرد کلاید^{۱۵} با انتشار گزارش مفصلی در این باره، تب و تاب مردم را به اوج رساندند. مردم کشورهای که جز تمسخر کار دیگری بلد نیستند این اتفاق را دستمایه شوخی قرار دادند، اما ساکنان کشورهای مثل انگلستان، آمریکا و آلمان که هیچ مسئله ای را سرسری نمی گیرند برای شناخت این پدیده اسرارآمیز فوراً دست به کار شدند.

در تمامی محافل پرفت و آمد صحبت از هیولا بود؛ در قهوه خانه ها

۱. هر فرسنگ دریایی معادل ۵/۵ کیلومتر است. — م.

2. Helvetia

3. Nationale

4. Shannon

5. Royal Mail

۶. حدود ۱۰۶ متر. هر پای انگلیسی ۳۰ تا ۴۰ سانتیمتر است.

7. des îles Aléoutiennes

8. Kulammak

9. Umgullick

10. Le Pereire

11. L'Etna

12. Iseman

13. La Normandie

14. Fitz-James

15. Lord Clyde

درباره‌اش بگومگو می‌کردند، روزنامه‌ها درباره‌اش طنزپردازی می‌کردند و در تماشاخانه‌ها نمایشش را روی صحنه می‌بردند. بازار شایعه‌پراکنی داغ بود. از وال سفید و «موبی دیک»^۱ هراس‌انگیز قطب شمال گرفته تا کراکن^۲ عظیم‌الجنه‌ای که می‌توانست شاخک‌هایش را دور یک کشتی پانصد تُنی بپیچاند و با خود به قعر اقیانوس ببرد. روزنامه‌های کم‌تیراژ در پی اثبات واقعی بودن موجودات غول‌آسا و تخیلی بودند، کار به جایی رسید که برای به کرسی نشاندن حرف‌هایشان دست‌به‌دامن نوشته‌های کهن شدند و پای ارسطو، پلینیوس^۳ و آثار پونتوپیدان اسقف نروژی^۴ که هر سه وجود هیولا را تأیید کرده بودند وسط کشیده شد، آن‌ها همچنین به گزارش‌های پل هگده^۵ استناد می‌کردند، و همین‌طور آقای هرینگتون^۶ که کسی حق نداشت در صادقانه بودن نوشته‌هایش تردید کند؛ و ادعای او را در خصوص دیدن اژدهایی بزرگ در سال ۱۸۵۷، زمانی که سوار بر کشتی کاستی‌یان^۷ بوده، پیش‌تر نویسندگان روزنامه کونستیتوسیونل^۸ نیز مطرح کرده بودند.

در جوامع علمی و در مطبوعات مشاجره‌ای بی‌پایان بین زودباوران و دیرباوران آغاز شد. «قضیه هیولا» ذهن همه را درگیر کرده بود. روزنامه‌نگارانی که علوم تجربی را ارجح می‌دانستند با روزنامه‌نگاران قایل به ماوراءالطبیعه در مشاجره بودند و در این پیکار هر دو گروه قلم‌فرسایی‌ها کردند؛ در این بین حتی چند قطره خون نیز ریخته شد زیرا کار از اژدهای دریایی به خصومت‌های شخصی کشید.

شش ماه گذشت و کشمکش همچنان ادامه داشت. مؤسسه جغرافیای برزیل، آکادمی سلطنتی علوم برلین، سازمان علوم بریتانیا و مؤسسه اسمیتسونین واشینگتن^۹ مقاله‌های مهمی در این زمینه منتشر کردند، مجلات

۱. Moby Dick: منظور ژول ورن رمان موبی دیک نوشته‌ی هرمان ملویل نیست، بلکه اشاره‌ی او به افسانه‌ای اسکاتلندی است با همین نام. —

۲. Kraken: موجودی افسانه‌ای که در واقع هشت‌پایی است غول‌آسا. ریشه کراکن به افسانه‌های نروژی برمی‌گردد. —

۳. Pline: از طبیعیدانان رومی. —

۴. Pontoppidan 5. Paul Heggede 6. M. Harrington 7. Castillan

۸. Constitutionnel: این روزنامه در روزهایی که خبر خاصی برای منتشر کردن نبود از خودش خبر جعل می‌کرد. یکی از این اخبار جعلی دیده شدن اژدهایی چندسر در دریا بود. —

۹. l'Institution smithsonienne de Washington

این‌دیان آرکیپلاگو^۱ کسموس^۲ کشیش موانیو^۳ میتیلانگن^۴ پترمان^۵ و روزنامه‌های مهم فرانسه و کشورهای دیگر نیز با انتشار یادداشت‌هایی علمی به این موضوع پرداختند که با رگباری از جواب‌های تند و تیز روزنامه‌های عامه‌پسند روبه‌رو شدند. نویسندگان بذله‌گوی این نشریات جمله‌ای از لینه^۶ را که مرتب بر قلم مخالفان وجود هیولا جاری می‌شد به بازی گرفتند و گفتند «طبیعت ابله به وجود نمی‌آورد»^۷ و از همعصرانشان تقاضا کردند که به طبیعت دروغ‌نبدند و از اثبات وجود کراکن‌ها، ماهی‌های دریایی، موبی‌دیک‌ها و دیگر جانوران دریایی که ساخته ذهن دریانوردان خواب‌زده است دست بردارند. حتی محبوب‌ترین نویسنده یکی از همین مجلات، که زیادی در تب و تاب ماجرا بود، همچون موجودی که به هیپولیت^۸ حمله کرد، پنبه هیولا را به‌کلی زد و هر چه دانشمندان رشته بودند پنبه کرد. بدین ترتیب صحبت از هیولا به سرگرمی تبدیل شد و شوخی و خنده جای بحث علمی را گرفت.

در ماه‌های ابتدایی سال ۱۸۶۷ تب ماجرا فروکش کرد و در آستانه فراموشی قرار گرفت تا این‌که اخبار جدیدی منتشر شد. ماجرا دیگر مسئله‌ای علمی نبود که کسی بخواهد اثبات یا ردش کند بلکه خطری حقیقی و جدی در کمین بود که بایست چاره‌ای برایش پیدا می‌شد. صورت مسئله تغییر کرد و به جای هیولا همه از جزیره شناور، تخته‌سنگ، صخره، صخره‌ای گریزیا، ناشناختنی و دست‌نیافتنی حرف می‌زدند.

پنجم مارس ۱۸۶۷، کشتی موراویان^۹ از شرکت کشتیرانی مونترال اوشن^{۱۰} شب‌هنگام در مختصات ۳۰° ۲۷ عرض و ۱۵۷° ۷ طول جغرافیایی انتهای سمت راستش به صخره‌ای خورد که در هیچ نقشه‌ای به آن اشاره نشده بود. وزش باد موافق و توان چهارصد اسب بخاری موتور سرعت

1. Indian Archipelago
4. Mittheilungen

2. Cosmos
5. Petermann

3. l'abbé Moigno

۶. Linné: طبیعیدان سوئدی. —

۷. اصل جمله عبارت است از: «طبیعت جهش نمی‌کند» («la nature ne faisait pas de») (sots)

۸. Hippolyte: اشاره به نمایشنامه فدر نوشته راسین (نمایشنامه‌نویس فرانسوی). در پرده

پنجم این نمایش هیپولیت به دست هیولایی آبی کشته می‌شود. —

9. Moravian

10. Montreal Ocean